

## قطعنامه درباره وضعیت کنونی، وظایف و تاکتیک‌های ما

نظر به این که انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران با قیام بهمن ماه و انتقال قدرت سیاسی به دست ارگان سازشی مرکب از نمایندگان بورژوازی و لایه‌های فوقانی خرده‌بورژوازی در نیمه راه متوقف مانده است.

نظر به این که این انقلاب دو جنبه نتایج به بار آورد و در سراسر دوران پس از قیام تضاد میان این دو جنبه نتایج انقلاب به صورت کشاکش انقلاب و ضد انقلاب ادامه یافته است.

نظر به این که انقلاب با شکست قطعی روبرو نشده و یک ضد انقلاب متمرکز، منسجم و به هم فشرده هنوز نتوانسته است سلطه قطعی خود را بر انقلاب تأمین کند و تفوق کامل را احراز نماید.

نظر به این که بحران اقتصادی مزمن موجود که از مدت‌ها پیش سراسر ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است، نه تنها ذره‌ای تخفیف نیافته بلکه مدام به وخامت بیشتر گرایش دارد.

نظر به این که بر پایه این بحران مزمن اقتصادی شرایط مادی زندگی توده‌ها به نحو دم افزونی به وخامت می‌گراید و هم اکنون، بیکاری، گرسنگی، تورم افسار گسیخته، کمبود کالاها و مایحتاج اولیه توده‌ها بر سراسر جامعه سایه افکنده است.

نظر به این که بحران سیاسی موجود که مدام در حال گسترش است نه بحرانی قانونی که بر اساس قوانین موجود و سیستم حکومتی موجود قابل حل باشد، بلکه بحرانی انقلابی است که تغییر و تحولات ژرف را می‌طلبد.

نظر به این که اکنون اکثریت عظیم توده‌ها هر گونه توهم به حاکمیت، امکان تغییر از بالا و بهبود شرایط زندگی خود را در وضعیت کنونی از دست داده‌اند و توده‌های وسیع کارگر و دهقان تحقق خواست‌های خود را در وضعیت موجود نا ممکن می‌دانند.

نظر به این که سیاست سرکوب و اختناق و سلب ابتدایی‌ترین حقوق و آزادی‌های سیاسی مردم در کنار وخامت شرایط مادی زندگی توده‌ها بر عمق و ژرفای بحران اقتصادی و سیاسی موجود خواهد افزود.

نظر به این که در دوران پس از قیام علی‌رغم افت‌های موقت در مبارزات آشکار و انقلابی توده‌ها جنبش در کلیت خود شکل انقلابی خود را از دست نداده است، و همچنان چشم‌انداز مبارزات آشکار و عالی‌تر توده‌ای از جمله وقوع یک قیام مجدد و اشکال گوناگون یک جنگ داخلی گسترده وجود دارد.

لذا وظیفه اساسی که اکنون در برابر جنبش انقلابی ایران قرار دارد، تکمیل انقلاب دمکراتیک توده‌ای ایران است و تدارک قیام به صورت امری فوری در دستور کار قرار گرفته است.

تدارک قیام باید در دو وجه به هم پیوسته تدارک سیاسی و نظامی قیام به موازات یکدیگر صورت پذیرد.

تدارک سیاسی قیام مستلزم سازماندهی جنبش توده‌ای و در رأس آن سازماندهی جنبش طبقه کارگر به عنوان پیگیرترین طبقه‌است که می‌تواند انقلاب را به سرانجام قطعی‌اش برساند.

تدارک نظامی قیام شامل سازماندهی جوخه‌های رزمی، ایجاد کانون‌های پارتیزانی، آموزش و تسلیح توده‌ها، تدارک تسلیحاتی و مالی برای قیام است.

از این رو در شرایط کنونی عملیات رزمی توسط جوخه‌های رزمی مجاز شمرده می‌شود.

خصلت و اهداف عملیات رزمی به شرح زیر است:

الف - خصلت این عملیات باید با وظیفه آموزش رهبران مبارزه توده‌ها در لحظه قیام منطبق باشد. قائل شدن هر گونه خصلت دیگری برای این عملیات نادرست است.

ب - هدف فوری این عملیات باید مبارزه علیه باندهای سیاه، بی سازمان کردن آنها، ضربه وارد آوردن به ارگان‌ها و نهادهای ستم‌گری رژیم و مجازات خائنین به خلق با توجه دقیق به خلیات و روحیات توده‌ها به ویژه در مناطق متعدد، سازماندهی کانون‌های پارتیزانی، تأمین منابع مالی از صندوق‌های دولتی و تأمین تسلیحاتی باشد. آماده کردن نقشه‌های نظامی و شناسایی مراکز حساس دولتی نیز از جمله وظایف دیگر جوخه‌های رزمی محسوب می‌گردد.

در لحظه کنونی که ارتجاع تمام نیروهای خود را علیه جنبش انقلابی ایران بسیج کرده است بخش وسیعی از وظیفه تبلیغاتی سازمان از جمله بخش اعلامیه‌ها و شب‌نامه‌ها را جوخه‌های رزمی بر عهده دارند.

در دوران کنونی که نه یک دوران رکود سیاسی بلکه یک دوران انقلابی‌ست و شکل عمده جنبش نه اشکال قانونی بلکه اشکال انقلابی است، مضمون تاکتیک‌های پرولتری، تعرضی‌ست و در مرحله کنونی تکامل جنبش، تاکتیک‌های بسیج سیاسی توده‌ها هم چنان تاکتیک‌های عمده ما محسوب می‌گردند، و تاکتیک‌های نظامی جز در برخی مناطق نظیر کردستان یک تاکتیک فرعی محسوب می‌گردد.

در این دوران ایجاد کمیته‌های مخفی اعتصاب متشکل از عناصر پیشرو کارگری در کارخانه‌ها به منظور برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی، ایجاد کمیته‌های مخفی هماهنگی در ادارات دولتی و مدارس، ایجاد هسته‌های مقاومت در محلات و مناطق روستایی در زمره مهمترین وظایف ما محسوب می‌گردد.

در این دوران استفاده از اشکال قانونی مبارزه و شرکت در سندیکاها، اتحادیه‌ها، شوراها و تعاونی‌های موجود نه تنها مجاز بلکه ضروری است. اما باید در نظر داشت که استفاده از اشکال قانونی مبارزه و شرکت در تشکلهای قانونی باید به نحوی صورت گیرد که هیچ گونه توهمی در میان توده‌ها نسبت به حاکمیت موجود پدید نیاورد.

و بالاخره

نظر به این که در شرایط نیمه کاره بودن انقلاب، امکان شکست یا پیروزی آن هر دو وجود دارد، از این رو سازمان دهی ما باید بر پایه یک سازماندهی مخفی و منسجم قرار داشته باشد.

این سازماندهی مخفی باید از طریق شاخک‌های حسی خود با وسیع‌ترین بخش توده‌های مردم در ارتباط باشد. در همان حال این نحوه سازماندهی باید از آن چنان انعطافی برخوردار باشد که با اعتلاء مجدد مبارزات آشکار و انقلابی توده‌ها، علنی‌تر و گسترده‌تر گردد.